

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۳۲

جمعه ۱ آذر ۱۳۹۲، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۳

کارگران پلی اکریل اصفهان فورا باید آزاد شوند

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۷

پرونده کهریزک همچنان باز است

کاظم نیکخواه

صفحه ۶

چرا حزب کمونیست کارگری؟ حزب توده ای شدن

ناصر اصغری

صفحه ۵

کارگران برای افزایش دستمزد خیز برمیدارند

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۷

قطعنامه در مورد بحران جمهوری اسلامی بر متن شرایط جدید

مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری باتفاق آرا

صفحه ۲

حزب سازمانده و حزب رهبر

مصاحبه شهلا دانشفر در برنامه سازمانده تلویزیون کانال جدید با
حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

سازمان بدهد و زیر یک پرچم واحد و سیاست واحد به پیش برود، این جنبه ای از نقش حزب است که یک رکن کار ما است. ولی حزب فقط این نیست. اگر به این محدود بمانیم، به نظر من جایگاه و اهمیت اجتماعی حزب، بخصوص در شرایط سیاسی امروز دنیا را نادیده گرفته ایم. حزب علاوه بر تمام اینها، علاوه بر اینکه یک ظرف و تشکل و ابزار سازماندهی و پیشبرد و رهبری مبارزات هست، علاوه بر

صفحه ۳

اشاره کردید یک نکته مهم اینست که ما وقتی از حزب و اهمیت حزبیت صحبت میکنیم، به نفس خود حزب و وجود حزب، به عنوان یک پدیده سیاسی و موثر و دخیل در تحولات سیاسی توجه داریم. این یکی از مولفه های اصلی برخورد ما و ارزیابی ما از نقش و جایگاه حزب در جامعه است. منظور من اینست که حزب بعنوان یک تشکیلاتی که میتواند کارگران، مردم معترض و کلا فعالین عرصه های مختلف مبارزه علیه وضع موجود را رهبری کند،

شهلا دانشفر: ۳۰ نوامبر، یعنی ۹ آذر، سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران است! اولاً این روز را به شما و به همه دستداران حزب تبریک میگویم، ثانیاً سالگرد حزب فرصتی هست که در برنامه سازمانده، بحثی بر سر خود حزب داشته باشیم. اولین سوالم اینست که ما همیشه از حزب به عنوان یک مولفه مهم در سیر تحولات سیاسی صحبت کرده ایم. دوست دارم توضیحات شما را در این مورد بشنوم. حمید تقوایی: همانطور که

یک حزب منحصر بفرد

سخنرانی کاظم نیکخواه در شهرکلن

به مناسبت بیست و دومین سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران



بین المللی تبدیل کرده اید!! این کامنت روی یک جنبه ویژه و منحصر بفرد حزب کمونیست کارگری انگشت

صفحه ۴

کمتر صحبت شده باشد یا کمتر تکرار شده باشد. برای شروع اجازه بدهید یک مثال بزنم. یک ویدئو کلیپ روی یوتیوب هست از مینا احدی دارد که در مورد اعدام و در رابطه با شهلا جاهد صحبت میکنند. و چهل پنجاه هزار نفر آنها نگاه کرده اند. زیر این ویدئو چندتا کامنت هست. که یکی از آنها توجه مرا جلب کرد. یک کسی نوشته بود که "خانم احدی شما حالتون خوبه؟ از نظر فکری مشکلی ندارید؟! شما یک قاتل حرفه ای را به یک چهره محبوب

تشکر میکنم از دست اندرکاران این مراسم که از من دعوت کردید که چند کلمه این جا صحبت کنم. به همه شما دوستان خوش آمد میگویم و بیست و دومین سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری را به همه شما شادباش میگویم. در مورد حزب کمونیست کارگری ما کادرهای حزب کمونیست کارگری در این سالها زیاد صحبت کرده ایم و از هر زاویه ای که صحبت کنیم معمولاً ممکن است تکراری بنظر برسد. من سعی میکنم روی جنبه ای تمرکز کنم که شاید

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

قطعنامه در مورد بحران جمهوری اسلامی بر متن شرایط جدید

مصوب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری باتفاق آرا

۱- برآمد بحران جهانی سرمایه داری بدنبال سقوط وال استریت در زمستان ۲۰۰۸، موج اعتراضات ضد ریاضت کشی اقتصادی و ضد کاپیتالیستی، و سرنگونی دیکتاتورهای چند دهساله و دولت‌های اسلامی جانشین آنها بقدرت مردم، شرایط سیاسی تازه‌ای در جهان و مشخصاً در منطقه خاورمیانه ایجاد کرده است. در پرتو این تحولات دو قطب میلیتاریسم نئوکنسرواتیستی غرب و جنبش اسلام سیاسی بشدت تضعیف شده و قطب سوم یعنی عامل قدرت مردم و مبارزات توده‌ای نقش برجسته‌ای در شکل دادن به تحولات سیاسی جاری دنیا یافته است. این شرایط موقعیت جمهوری اسلامی را بیش از پیش تضعیف کرده و اوضاع سیاسی ایران را به سرعت به سمت یک نقطه عطف و تحول بنیادی سوق میدهد.

۲- یکی از نتایج وضعیت تازه که جمهوری اسلامی را به تغییر سیاست‌های ناگزیر کرده است تشدید تحریم‌های اقتصادی است. تحریم‌ها بحران مزمن اقتصادی رژیم را که ناشی از ناتوانی هویتی و ساختاری حکومت اسلامی در سامان دادن به یک اقتصاد متعارف سرمایه داری در ایران است بمراتب تشدید کرده و جمهوری اسلامی را در آستانه یک فروپاشی کامل اقتصادی قرار داده است. بحران حاضر در واقع شکل مشخص و حدت یافته بحران حکومتی بورژوازی ایران- و معضل بورژوازی جهانی در رابطه با ایران - از مقطع انقلاب ۵۷ تا به امروز است.

۳- تن دادن خامنه‌ای و

خط اصولگرا به ریاست جمهوری روحانی و سیاست اعتدال و تعامل با غرب از جمله تغییراتی است که به جمهوری اسلامی تحمیل شده است. این تغییرات خود حاصل درماندگی خط رسمی تا کنونی رژیم در برخورد به مسائل گریبانگیر حکومت از جمله رشد و تعمیق تنفر و ناراضی عمومی از رژیم، رسوائی و بی اعتباری ولی فقیه حتی در میان صفوف خود حکومت بعد از انقلاب ۸۸، ایزوله شدن جمهوری اسلامی در منطقه و در جنبش اسلام سیاسی، و مساله تشدید تحریم‌ها و چشم انداز فروپاشی اقتصادی است.

۴- رابطه جمهوری اسلامی با دولت آمریکا و سایر دول غربی اکنون بر پروژه هسته‌ای متمرکز شده و در این قالب طرح و بیان میشود. گرچه احتمال دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی در خود یک مساله مهم برای غرب و دولت‌های منطقه است اما هم دول غربی و هم جمهوری اسلامی از کانال پروژه هسته‌ای اهداف سیاسی اساسی تری را دنبال میکنند. آمریکا در پی رام و همراه کردن رژیم در چارچوب سیاست‌های منطقه‌ای خود است و جمهوری اسلامی بدنبال ورود به بازار سرمایه داری جهانی، برسمیت شناخته شدن به عنوان قدرت منطقه‌ای، و تحکیم موقعیت خود در داخل در مقابل مردم است. بحران هسته‌ای شکل مشخصی از بروز این کشاکش پایه‌ای تر در شرایط کنونی است.

۵- در شرایط حاضر رژیم ناگزیر به تجدید تعریف رابطه خود با غرب است اما قادر به

سرکوبگرانه اش در قبال مردم دامن میزند و زمینه تعرض وسیعی را علیه گرانی و بیکاری و فقر کمر شکن و سرکوب و بیحقوقی‌های سیاسی و اجتماعی فراهم می‌آورد.

۷- با روی کار آمدن روحانی دولت‌های غربی و نهادها و رسانه‌های بین‌المللی رویکرد تایید و حمایت آمیزی را نسبت به دولت روحانی و کلا جمهوری اسلامی در پیش گرفته‌اند. در این میان نیروهای سیاسی نوع دو خردادی و کل اپوزیسیون حافظ نظام نیز یکبار دیگر به حمایت از "رئیس جمهور معتدل" برخاسته‌اند و مردم را به سکوت و انتظار فرا میخوانند. این تلاش‌های ارتجاعی در خدمت حفظ جمهوری اسلامی است و تماماً در مقابل خواست و اراده توده مردم ایران برای خلاصی از شر این حکومت قرار میگیرد.

با توجه به نکات فوق حزب کمونیست کارگری اعلام میکند:

الف- بر خلاف تبلیغات دولت‌ها و رسانه‌های غربی، اساس بحران سیاسی در ایران پروژه هسته‌ای و یا رابطه حکومت اسلامی با دول غربی نیست، بلکه نفس وجود جمهوری اسلامی است. برجسته و محوری کردن مساله پروژه هسته‌ای و "راه حل" مذاکره و سازش با غرب از جانب دولت‌ها و رسانه‌ها عملاً مساله جمهوری اسلامی را در اذهان عمومی به پروژه هسته‌ای تنزل میدهد و نفس موجودیت حکومت جمهوری اسلامی بعنوان یک دیکتاتوری سرکوبگر و قرون وسطائی را حاشیه‌ای و مخدوش میکند. در برابر این تبلیغات، حزب بر این واقعیت تاکید میکند که راه حل توده مردم ایران برای برون رفت از بحران حاضر بزیر کشیدن جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب است.

ب- دول غربی، رسانه‌ها و مدیای رسمی جهانی، و نیروهای ملی- اسلامی و کل اپوزیسیون حافظ نظام که تلاش میکنند

تصویر قابل تحمل و مقبولی از "رئیس جمهور معتدل" ترسیم کنند خود جزئی از صورت مساله مردم ایران هستند. این تصویرسازی عوام‌فریبانه از دولت روحانی باید وسیعاً در ایران و در سطح جهانی نقد و افشا بشود.

ج- شرایط تازه زمینه مساعدی برای تعمیق و گسترش مبارزات تعرضی کارگران و زنان و جوانان و بخش‌های مختلف جامعه حول اهداف و مطالبات رفاهی و سیاسی و اجتماعی شان فراهم میکند. فعالین، تشکله‌ها، و نهادهای مبارزاتی در جنبش کارگری، و در سایر جنبش‌های اعتراضی میتوانند و باید با مطالبات روشن و مشخص علیه فقر و گرانی و بیکاری، علیه آپارتاید جنسی و بیحقوقی زنان، علیه اعدام و سرکوب و بیحقوقی‌های و مدنی بمیدان بیابند، و با بسیج نیروی مردم معترض، جمهوری اسلامی را در تمامی این عرصه‌ها و ادار به عقب نشینی کنند.

د- مردم ایران نه خواهند پروژه هسته‌ای هستند و نه خواستار تحریم اقتصادی و یا جنگ و حمله نظامی و تهدیدات و فضای جنگی. اما تا جمهوری اسلامی بر سر کار است این مسائل و بحرانها در ابعاد و اشکال مختلف ادامه خواهد داشت. راه حل فوری و قطعی و عملی این مسائل سرنگونی جمهوری اسلامی است. حزب از نیروها و سازمانها و نهادهای چپ و مترقی در سراسر جهان میخواهد برای تحریم سیاسی، بستن سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی و عدم برسمیت شناسی این رژیم و به انزوا کشیدن آن در سطح بین‌المللی بکوشند و از مبارزات مردم ایران برای تحقق خواسته‌های برحقشان و برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی فعالانه حمایت کنند.

دفتر سیاسی حزب کمونیست
کارگری ایران

۲۷ آبان ۱۳۹۲

۱۸ نوامبر ۲۰۱۳

حزب سازمانده و حزب رهبر



نفس وجود حزب به عنوان يك پدیده سیاسی در تحولات اجتماعی، به عنوان آلت‌رناتیو و راه آینده، به عنوان نقطه اتکا و امید مردم انقلابی، نیروئی که توده کارگر، توده مردم، بتوانند به آن اعتماد و اتکا کنند و در چهره آن حزب ببینند که میتواند انقلاب را به پیروزی برساند. به این معنی نقش حزب، حیاتی است و کاملاً تعیین کننده است. ما از این نقطه نظر هم، علاوه بر جنبه های دیگری که اشاره کردم، همیشه بر اهمیت و ضرورت حزب تاکید کرده ایم و مردم را به سیاستهای حزب و پیوستن به حزب فرا خوانده ایم.

شاهلا دانشفر: شما به انقلابات منطقه اشاره کردید، ما شاهد این بودیم که انقلاباتی شکل گرفت، در قدم اول موفق بود و دیکتاتور ها را سرنگون کرد، ولی بعد از آن میبینید که به نوعی این مبارزات ادامه دارد و مردم هنوز برای اهدافی که در پیش داشتند، دارند مبارزه میکنند، مثل مصر، تونس و غیره. يك سوال اینست در ادامه بحثی که داشتیم اگر حزبی مثل حزب کمونیست کارگری ایران آنجا بود چه تاثیری بر اوضاع میگذاشت و یا مشخص تر بپرسم اگر شما مشخصاً در آن شرایط قرار داشتید، چه میکردید؟

حمید تقوایی: بله در این انقلابها مردم منتهای فداکاریها را میکنند و در قدم اول هم موفق بودند. تا آنجا که به سرنگونی دیکتاتوری های چند ده ساله مربوط میشود این انقلابها کار غول اسائی انجام دادند! امری که به نظر همه غیرممکن میامد! در عرض چند هفته در تونس، در مصر، دیکتاتوری ها را سرنگون کردند. در لیبی هم همینطور، بالاخره مردم از شر قذافی راحت شدند. به این معنی می بینید انقلاب خیلی قدرتمند بود و مردم توانستند، بخصوص با توجه به تکنولوژی امروز و امکانات امروز، خودسازماندهی کنند و شیوه های موثری بکار ببرند. مثل مسئله اشغال میدان التحریر در انقلاب مصر که اگر يك حزب کمونیست کارگری هم بود، در این سطح، کاری فراتر از این نمیتوانست بکند. مبارزه و روندی که به سرنگونی مبارك انجامید، کاملاً موفق بود. در انقلاب مصر و یا تونس اگر حزبی هم بود تفاوت تعیین کننده ای در این روند داده نمیشد. ولی در شرایط بعد از سقوط دیکتاتوریها انقلاب با آزمون و خطا به پیش میرود. در تجربه مصر این را میبینید! در تجربه لیبی میبینید، در تجربه تونس میبینید! میبینید که مردم با وجود همه آن فداکاریها، آن رادیکالیسم مردم، و آن مبارزه ای که کردند، در عرصه سیاست نمایندگی نشدند. امری که تنها میتوانست بوسیله يك حزب و یا نیروی متشکل رادیکالی صورت بگیرد که به خواستها و مبارزات مردم يك چهره سیاسی بدهد، يك پلاتفرم سیاسی، يك برنامه مشخص و خواستهای مشخص، يك کيفرخواست مشخص علیه كل نظام موجود را مطرح و اعلام کند و به این معنی تبدیل بشود به يك نقطه اتکا و اعتماد توده های کارگر و توده های مردمی که درگیر مبارزه برای بزیر کشیدن دیکتاتورها بودند.

انقلاب میشود گفت که بصورت اجتماعی و بسیار گسترده و رادیکال پیش رفت، ولی در سطح سیاست، آنجائی که مسئله قدرت سیاسی مطرح است، آنجائی که لازمست مردم نماینده خودشان را انتخاب کنند و معرفی کنند، آنجا دیگر انقلاب کاملاً ضعف داشت و این مستقیماً مربوط میشود به عدم وجود يك حزب انقلابی. همانطور که گفتید، عدم وجود حزبی مثل حزب کمونیست کارگری ایران در آن کشورها، به نظر من مساله ای کاملاً تعیین کننده بود. اگر حزبی مثل حزب کمونیست کارگری در مصر بود، طبعاً بعد از مبارك نوبت به موری و طنطاوی نمیرسید! در این صورت در همان انتخابات و یا فرزندم، مردم میتوانستند به آن حزب رای بدهند! در هر شکلی از تعیین دولت، فرزندم میخواستند، میخواستند ائتلاف کنند و یا هر اتفاقی بعد از سرنگونی مبارك میافتاد، آن حزب يك بازیگر اصلی و نیروی تعیین کننده در صحنه میبود و میتوانست اکثریت عظیم مردم مصر را که میخواستند از شر كل رژیم مبارك راحت بشوند، نمایندگی کند. خواست و قصد مردم تنها سرنگونی مبارك نبود، بلکه رسیدن به جامعه ای مرفه، آزاد، برابر و انسانی بود و این در سیاست نمایندگی نمیشد. طبعاً نه نیروهای اسلامی و شبه اسلامی و نه بازماندگان حکومت قبلی، اینها هیچکدام، این پرچم را بلند نکردند. این پرچم تنها میتوانست بوسیله حزبی مثل حزب کمونیست کارگری ایران بلند بشود و چون این حزب نیست، چون این حزب غایب است، میبینیم که حکومتهاى که بعد از این دیکتاتورها آمدند، یا بقایای رژیم گذشته و سران ارتش اند، و یا نیروهای ارتجاعی اسلامی و ناسیونالیستی و قومی و غیره. در هر حال مردم، خواست مردم، مبارزه مردم، در عرصه قدرت سیاسی نمایندگی نشده است. در این کشورها مبارزه بر سر

قدرت هنوز ادامه دارد و من امیدوارم که در این روند و در این پروسه، چنین حزبی سر بلند کند و بتواند این خلاء مهم را پر کند.

شاهلا دانشفر: شما به نکات بسیار درستی اشاره کردید، اما سوال من اینست که نتیجه مشخص نکاتی که به آن اشاره کردید، برای ایران چه میتواند باشد؟

حمید تقوایی: برای ایران، به نظر من اولین نکته این هست که مکانیسم و دینامیسم انقلابات امروز را بشناسیم و در شرایط ایران بکار بگیریم. خوشبختانه در ایران حزبی مثل حزب ما وجود دارد که در تمام زیر و بم های مبارزات جنبش کارگری، مبارزات هر روزه کارگران برای افزایش دستمزدها، برای جلوگیری از فقر و فلاکت و بیکاری و برای متشکل شدن کارگران، در مبارزات و جنبش مردم در سطوح مختلف و برای مطالبات انسانی، مثل جنبش علیه اعدام، دفاع از حقوق کودک و غیره، در تمام این دقایق حضور داشته است، و برنامه و سیاستهای عملی روشن و مشخص دارد! ولی چیزی که باید در نظر گرفت - خصوصاً این جا خطاب من به فعالین و دست اندر کاران جنبش کارگری و جنبشهای اعتراضی دیگر هست - اینست که برای پیشروی و پیروزی مبارزاتمان وجود حزب و نمایندگی شدن حزب در این مبارزات، مطلقاً حیاتی هست. در فعالیتهایمان، در مبارزاتمان، در عین اینکه ما در عرصه های مختلف متشکل میشویم، دائماً به جلو میایم و نیرو بسیج میکنیم، همواره اینرا باید مد نظر داشته باشیم که باید این نیروها زیر پرچم سیاستها، اهداف و برنامه حزب حرکت کنند و گرنه ممکن است حد اکثر شرایطی مثل انقلاب مصر، و یا مثل لیبی، و

این خودش يك فاکتور، يك عامل سیاسی مهمی در شرایط هر جامعه ای هست! اگر این را نبینیم، آنوقت در انقلابات و تحولات اجتماعی، نقش نمایندگی کردن مردم و بخصوص ایجاد آلت‌رناتیو برای مردم و کارگران و زحمتکشان و مردم آزادیخواه و شریف و عدالت طلب، مردمی که میخواهند واقعا سرمایه داری را جارو کنند و بجایش يك نظام انسانی را بگذارند، را ایفا نکرده ایم. حزب، نه تنها ابزار سازماندهی و رهبری هست، بلکه حزب يك پدیده سیاسی است که امید و آینده را نمایندگی میکند و در چشم انداز مردم قرار میدهد. حزب، در برابر کارگران و مردم زحمتکشی که هیچ منفعتی در نظام سرمایه داری ندارند، در برابر ۹۹٪ جامعه، يك آلت‌رناتیو و يك آینده روشنی را قرار میدهد که بدون حزب امکان پذیر نیست. این واقعیت را امروز بخصوص در تجربه انقلابات منطقه میبینیم! انقلاباتی که مردم نهایت فداکاریها را کردند و در مبارزاتشان پیشرفتهای زیادی هم داشتند، اما هنوز نتوانسته اند به آلت‌رناتیو، به دولت و نظام مطلوب خودشان برسند! نمونه تجربه مصر و تجربه انقلابات دیگر منطقه نشاندهنده این واقعیت است. تجربه این انقلابات تاکید میکند بر اهمیت

یک حزب منحصر بفرد

میگذارد. این حزب صدای همه آنهاست که صدایی ندارند. (من نمیخواهم روی ابعاد و گستردگی فعالیت‌های این حزب اینجا صحبت کنم) از زاویه نقطه عزیمت این حزب می‌خواهم نکته ای را تاکید کنم که این حزب علاوه بر همه جنبه های دیگر صدای کسانی است که در این دنیا مدافع دیگری ندارند. صدای کسانی است که کسی تحویلشان نمیگیرد. صدای کسانی است که طرد میشوند. صدای آن مادران و پدرانی است که می‌گویند چرا بچه من؟ چرا عزیز من؟ چرا برادر من تبدیل به یک جنایتکار شد؟ تازه من آنهاست که می‌گویم که واقعا قتلی کرده اند، جنایتی کرده اند و نه آن هزاران نفری که زیر شکنجه و فشارهای طاقت فرسا از شان اعتراف گرفته میشود. ما مدافع اینها میشویم. مینا احدی کسانی مثل اینها را جلو آورده است. پدران و مادرانی که می‌گویند اگر بچه من توانسته بود به مدرسه برود، به کودک کار و خیابان تبدیل نشده بود، اگر مثل کبریا رحمان پور مجبور نشده بود یا کسی ازدواج کند که همسن پدرش بود، اگر کارتون خواب نشده بود، اگر زندگی شاد و مرفهی داشت، اگر سرکوجه و خیابان مدام جوانان را بالای چوبه دار ندیده بود، جنایتکار نمیشد. و این خانواده ها بدون وجود این حزب، بدون فعالیت مینا احدی نمیتوانستند درد دلشان را حتی به همسایه ها و قوم و خویشانشان بگویند. یا سوالشان را مطرح کنند. کیفرخواستشان را اعلام کنند. اما امروز اینها سرشان را بالا نگه میدارند. امروز اگر بفرض کبریا رحمان پور کتابی بنویسد مطمئن باشید در همان روزهای اول چند میلیون فروش می‌رود. و کبریا رحمان پور میتواند فقط یک عدد در کنار صدها هزار نفر دیگر محکومین جمهوری اسلامی باشد که اعدام

بچه ها و زن و مردم را قبول نمیکنیم. من می‌خواهم بگویم که این نحوه برخورد به مساله اعدام و اعدامی ها منحصر بفرد است. من ادعا میکنم که اینگونه است و فکر میکنم که همه کسانی که منصفانه به مساله نگاه کنند این را متوجه میشوند. برویم سراغ عرصه های دیگر. به مساله حجاب نگاه کنید. یادم است یکی دوسال پیش زنی در تهران بدون حجاب و با لباسی مدرن در خیابانها شروع به قدم زدن کرد و بعد سوار مترو شد. و مردم با تحسین به او نگاه میکردند. و با صلابت و محکمی و بی توجه به پاسداران و رژیم‌ها و سرکوبگران حکومت به خیابان آمده بود. هنوز هم عکسهایش روی اینترنت هست. آن زن داشت اعتراض آن زنی را بیان میکرد که میگفتند خفه شدیم! دیگر نمیخواهیم! دیگر نمی‌پذیریم که کالای جنسی باشیم که بخاطر اینکه چشم "نا محرم" به ما نیفتد ما را در گونی سیاه حجاب زندانی میکنند. این زن می‌گوید دیگر مهم نیست که چه اتفاقی می افتد. میزند به سیم آخر. این زن یک اعتراض عظیم و خفته در جامعه را وسط میدان آورد. امروز وقتی مساله حجاب را نگاه میکنیم به جز آن جریان‌های راست و ملی اسلامی نظیر شیرین عبادی و امثالهم که می‌گویند حجاب مساله زنان نیست که اینجا فعلا به آنها کاری ندارم، بقیه کمابیش علیه آن موضع می‌گیرند. اما وقتی که یک دختری بنام علیا المهدی در مصر همین صدای "خفه شدیم" زنان در کشورهای اسلام زده را با برهنه شدن جلوی دوربین بیان میکند و عکسش را روی اینترنت میگذارد، دیگر همان جریان‌ها "ضد حجاب" از او پشتیبانی نمیکنند. چون این دختر دیگر سنت شکنی کرده است. راست و چپ سنتی بعضیها برای خالی نبودن عریضه نوشته ای در حمایت از این دختر مینویسند. اما بطور جدی نمیروند پشت این اعتراض. آخر اگر مساله زن است، اگر مساله اعتراض است، اگر به حجاب اعتراض دارید، باید پشتیبانی

کنید از این دختری که می‌گوید آقا جان من نمیخواهم لباسم را شما تعیین کنید، قرن بیست و یکم است چرا باید اینطوری زندگی کنم؟ تازه بعضی ها می‌گویند این لوس است. اما این حزب کنار این اعتراض قرار میگیرد. جنبش "اعتراض عریان" را مریم نمازی راه می اندازد. یک عده ای می‌گویند "مجلات سکسی هم همین کار را با بدن زنان میکنند" و امثال اینها. یعنی درست از همان موضعی که آخوندها به بدن زن نگاه میکنند. این طیف هم از همین موضع نگاه میکنند. این حزب نگاهش به مساله حجاب هم با همه متفاوت است. اگر این حزب نبود تصور کنید چه اتفاقی در این جامعه می افتاد. برویم سراغ مذهب. مذهب امروز یک موجودیت کثیف و خبیثی از خودش نشان داده است که دیگر لازم نیست برویم در کتابهای مذهبی کنه آنرا افشا کنیم. کمونیستها با مذهب هم به عنوان یک جنبش سیاسی و طبقاتی نگاه میکنند. کمونیستها با مذهب مخالفند بخاطر اینکه انسانها را به مسلمان و مسیحی و کلمی و شیعه و سنی و غیره تقسیم میکنند. جنبش ضد مذهبی خیلی قبل از کمونیسم در تاریخ وجود داشته است. چیزی که وجود نداشت دیدن مذهب بعنوان یک ابزار طبقاتی بود. و این حزب نماینده این نگاه و این نقد به مذهب است. هر جا که وارد مبارزه علیه مذهب شده از این موضع که مذهب مشیت الهی را وسط صحنه جامعه می آورد و تمام این ناهنجاریها و فقر و مسکنت و فشار ستم و تبعیض را تحت نام خدا و قرآن توجیه میکنند، آنرا مورد تعرض قرار داده است. بعنوان یک جنبش سیاسی و طبقاتی ارتجاعی. این حزب به کارگران، به مردم دنیا می‌گوید که خودتان را بعنوان انسان نگاه کنید. و همینجا ما از جانب بعضی ها مورد نقد قرار میگیریم که چرا پشت قرآن سوزاندن و مسجد خراب کردن و برخوردهای ایدئولوژیک به مذهب نرفته ایم. یا محکمتر نرفته ایم. ما نشان داده ایم که ما "سکت بی خدایان" در

برابر "با خدایان" یا مذهبی ها نیستیم. ما قرار نیست سکتی باشیم که نشان بدهیم که هویت اصلی مان اینست که بی خداییم و دیگران هم با خدا. ما یک جنبش سیاسی هستیم که می‌خواهد همه مردم را متحد کند. ما به همه آنها که مذهبی هستند نیز می‌گوییم که نگاه کنید و خودتان را بعنوان آدم ببینید. ما از جدایی مذهب از دولت دفاع کرده ایم. از آزادی مذهب دفاع کرده ایم. از آزادی بی مذهبی دفاع میکنیم. و نشان میدهیم که مذهب خرافه است و نه فقط خرافه است بلکه توجیه کننده جامعه طبقاتی و پر از استثمار امروز است. و این یک نگاه ویژه و طبقاتی به مذهب است. به مساله زندانیان سیاسی نگاه کنید، به حقوق کودکان نگاه کنید، و غیره. به هر کدام از این عرصه ها که نگاه کنید متوجه میشوید که این حزبی است که یک طور دیگری به مسائل نگاه میکند. نمیگوید ما زندانیان سیاسی "خودی" را می‌خواهیم آزاد کنیم. کودکان خودمان را می‌خواهیم نجات دهیم. زندانیان سیاسی چه چپ چه راست چه ارتجاعی همه باید آزاد شوند. ما می‌خواهیم مقوله زندانی سیاسی و زندانهای سیاسی را در این دنیا تمام کنیم. و این حزب است که این نگاه را نمایندگی کرده است. و این حزب است که می‌گوید کلا با اعدام مخالفم. حتی با اعدام مخالفین مان. هنوز دوستان قدیمی می‌گویند "اعدام انقلابی" خوب است و از آن دفاع میکنند. و می‌گویند "من حاضر عضو جوجه اعدام" ضد انقلابیون باشم. این حزب می‌گوید من کلا و اساسا می‌خواهم اعدام را از دنیا جمع کنم. مقوله زندانیان سیاسی را می‌خواهم جمع کنم. رفقا این یک نگاه متفاوت است. ممکن است کسانی یک کمی مشابه این حرف بزنند. اما این حزب در میدان عمل طور دیگری عمل کرده است. هر جا پا گذاشته به نحو متفاوتی عمل کرده است. خیلی از همین جریان‌ها "چپ سنتی" می‌گویند این حزب خیلی

چرا حزب کمونیست کارگری؟ حزب توده ای شدن

ناصر اصغری



حزب توده ای شدن یعنی بخش وسیعی از جامعه، بخش وسیعی از پایگاه اجتماعی ات، تو را بعنوان نماینده خود در مبارزه روزمره سیاسی انتخاب کرده باشد. یعنی تو را بعنوان نماینده مطالباتش در مقابل احزاب و طبقات دیگر انتخاب کرده باشد. نمی شود یک حزب و نیروی کوچک و حاشیه ای در جامعه بود و ادعای نمایندگی کردن یک طبقه، مثل طبقه کارگر را کرد. منصور حکمت جانی می گوید که "چپهای رادیکال هر وقت خواسته اند توده ای بشوند، رادیکالیسمشان را رقیق کرده اند. ما اما می خواهیم همچنان رادیکال بمانیم و توده ای هم بشویم." این چگونگی امکانپذیر است؟ اینجاست که باید به بخش "انقلاب و اصلاحات" در برنامه "یک دنیای بهتر" رجوع کنیم و در آن کمی دقیق شویم.

در پاراگراف اول بند مربوط به "انقلاب و اصلاحات" آمده است: "سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر امر فوری جنبش کمونیسم کارگری است، انقلابی که کل مناسبات استثمارگر سرمایه داری را واژگون میکند و به مصائب و مشقات ناشی از این نظام خاتمه میدهد. برنامه ما، برقراری فوری یک جامعه کمونیستی است. ... اما آن انقلاب عظیم کارگری ای که باید این جامعه

آزاد را متحقق کند، بمجرد اراده حزب کمونیست کارگری رخ نمیدهد. این یک حرکت وسیع طبقاتی و اجتماعی است که باید در ابعاد و اشکال مختلف سازمان یابد. موانع گوناگونی باید از سر راه آن کنار زده شوند. این تلاش فلسفه وجودی حزب کمونیست کارگری و مضمون فعالیت هر روزه آن را تشکیل میدهد. اما در همان حال که این مبارزه برای سازماندهی انقلاب کارگری جریان دارد، میلیاردها انسان همچنان در تکاپوی هر روزه برای تامین معاش و آسایش خود در متن یک جهان سرمایه داری اند. مبارزه انقلابی برای برپایی یک دنیای نو، از تلاش هر روزه برای بهبود وضعیت زندگی مادی و معنوی بشریت کارگر در همین دنیای موجود جدایی پذیر نیست." در ایران امروز آنچه که جلوی پای جامعه است، مبارزه بر سر لغو مجازات اعدام است. مبارزه برای پرداخت دستمزدهاست. مبارزه برای برابری حقوقی زن و مرد است. مبارزه برای یک قانون کار مترقی است. مبارزه برای خلاصی فرهنگی و لغو سانسور است. مبارزه بر سر افزایش دستمزد و بیمه بیکاری است. مبارزه بر سر حق برابر شهروندی است. و اینها فقط چند فقره از دهها مسائلی است که جلوی پای جامعه است و یک مبارزه حادی در همه این عرصه ها در جریان است. ما بعنوان آدمهای حقیقی در جامعه ای زندگی می کنیم که هر روز باید بر سر مسائل مختلفی با انسانهای مختلفی چک و چانه بزنیم، نمی دانیم کی جامعه سوسیالیستی ایجاد خواهد شد! نمی دانیم که کی آن انقلاب اجتماعی ای که

هدف اصلی مان است، اتفاق خواهد افتاد که سازمان بدهیم؛ اما باید برای دریافت دستمزدهای پرداخت شده مان تلاش و مبارزه کنیم. برای اعدام نشدن فرزندان و خویشاوندانمان جنگ و مبارزه کنیم. برای کنار زدن سانسور تلاش کنیم و اگر حزبی باشیم که در همه این مشکلات جامعه دخیل باشیم، حزبی هستیم که برای سازمان دادن انقلاب اجتماعی می توانیم نیرو جمع کرده و جابجا کنیم. اگر احزاب سوسیال دمکرات می توانند صاحب رأی

بخش وسیعی از کارگران بشوند، دادن همان تصویر از خود است که مسائل کارگران را در پارلمانها مطرح می کنند. که خود را نماینده مطالبات کارگران معرفی می کنند. آنها اما حزب انقلاب اجتماعی نیستند! حزب ترمز توده های کارگر برای انقلاب کردن هستند. ما بعنوان حزب کمونیست کارگری در عین حالی که در تمام وجوه تلاش و مبارزه کارگران برای قابل تحملتر کردن این زندگی دخیل هستیم، چشمانمان به آنجاست. به انقلاب کارگری!

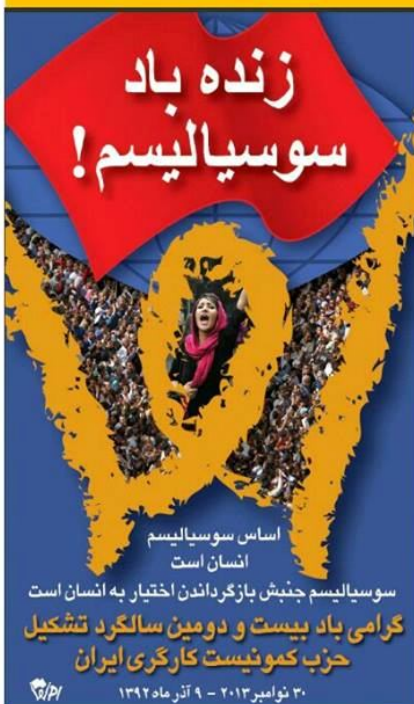
منصور حکمت جانی می گوید حزبی که در مسائل پیش پای جامعه دخالت نکند و دخیل نباشد اصلا حزب نیست. و حزب کمونیستی ای که در مسائل و مطالبات کارگران دخیل نباشد حزب کمونیست نیست! یعنی دخالت مستمر و

بی وقفه در زندگی سیاسی و اجتماعی جامعه و سازمان دادن انقلاب اجتماعی. سوسیالیستی. همین مسئله را با احزاب، محافل و سازمان های چپ و راست دیگر مقایسه کنید. یا منزه طلبانه بجز مبارزه برای لغو کار مزدی و برقراری سوسیالیسم خود را به چیز دیگری آلوده نمی کنند و یا اینکه بسیاری از کارهای دیگر می کنند، اما مخالفین سرسخت انقلاب و مبارزه برای تغییر بنیادین این سیستم هستند.

من اما در کنار دهها دلیل دیگر، به آن دلیلی هم که به تفصیل درباره اش گفتم، حزب کمونیست کارگری را انتخاب کردم و اگر امیدی برای رهایی از منجلا ب سرمایه داری است، در گرو عضویت در همین حزب است!*



جشن بیست و دومین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری در اسلو



همراه با سخنرانی و فیلم کوتاه
موزیک و رقص و پایکوبی و
پذیرایی

زمان: جمعه ۲۹ نوامبر ۲۰۱۳
ساعت ۶ عصر

مکان: Trygvelie plass,
Furusetcenter

ورود برای عموم آزاد است!

تشکیلات خارج کشور حزب
کمونیست کارگری ایران-کمیته
نروژ

برای اطلاعات بیشتر با تلفنهای
۹۸۶۹۴۰۰ و ۴۱۳۳۳۳۶۸ تماس بگیرید

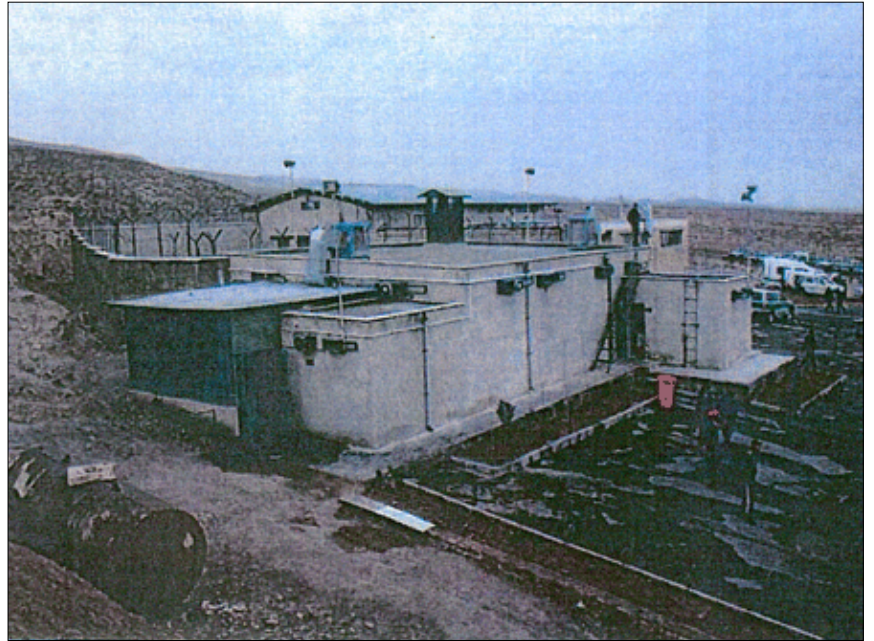
گرامی باد سالگرد

تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران

اساس سوسیالیسم
انسان است
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است
گرامی باد بیست و دومین سالگرد تشکیل
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ نوامبر ۲۰۱۳ - ۹ آذر ماه ۱۳۹۲

پرونده کهریزک همچنان باز است

کاظم نیکخواه



نمیایست میان "اراذل اوباش" نگهداری میشدند، فراموش کرده اند که سال ۸۸ خود احمدی مقدم و شخص خامنه ای و بقیه کرکدنه‌های حاکم کل تظاهر کنندگان را "اراذل و اوباش" مینامیدند. از نظر مردم ایران و بازماندگان جنایات سال ۸۸، نه فقط سعید مرتضوی و سران نیروی انتظامی نظیر رادان و احمدی مقدم و رجب زاده و امثالهم مقصر جنایات کهریزک و امثالهم محسوب میشوند بلکه از شخص خبیث خامنه ای تا بقیه باید در دادگاه های مردم محاکمه شوند و پاسخگوی جنایات کهریزک و کل جنایات غیر قابل توصیفشان در سال ۸۸ و همه سالهای حکومتشان باشند.

مردم ایران از اعترافات جانیانی نظیر احمدی مقدم و مرتضوی تنها قدرت خود را می بینند که این ها را بجان هم انداخته است. ما تردیدی نداریم که این ها به زودی يك ديگر را بر مساله اتمی و رابطه با غرب و امثالهم يك ديگر را خواهند درید. زیرا انقلاب دارد پشت درب پارکگاه رهبرشان در میزند.*

سال به خاطر جنایات کهریزک انفصال خدمت کند، و احمدی مقدم را ناچار میکند که هر از چندگاه در قالب گفتگو، ترس و وحشتی که وجودش را گرفته است را تلاش کند پس بزند.

حقیقت اینست که تنها بازداشتگاه و شکنجه گاه و کشتارگاه جمهوری اسلامی کهریزک نبود و تنها قربانیانش نیز روح الامینی و جوادی فر و کیانی نبودند و تنها جنایتکارانش نیز مرتضوی و احمدی مقدم نیستند. سال ۸۸ تمام ماشین رهبری جمهوری نحس اسلامی خون جلوی چشمشان را گرفته بود و به رعشه مرگ افتاده بودند و می خواستند به هر قیمتی شده و با هر جنایت ممکن جلوی سقوط حکومتشان را بگیرند. دهها بازداشتگاه و کشتارگاه و شکنجه گاه نظیر کهریزک برپا کرده بودند و صدها نفر را شکنجه کردند و مورد تجاوز قرار دادند و به قتل رساندند. این را همه مردم میدانند.

وحوش خون آشام جمهوری اسلامی که اکنون اعتراف میکنند که کهریزک مکان خطرناکی بوده است و دستگیرشدگان سال ۸۸

تا سرنوشت جمهوری اسلامی بسته نخواهد شد. و واقعیت دارد این را نشان میدهد که جمهوری اسلامی در اوج کشتارها و اعدامهایش نیز نمیتواند گریبان خود را از شبخ جنایات کهریزک و خشم مردم خلاص کند.

این در واقع تاکید دیگری بر این حقیقت است که گرچه انقلاب ۸۸ با توحش عقب رانده شد اما حاکمان نتوانستند مردم را منکوب، مرعوب و ساکت کنند. جوانان و زنان و کارگران و بخشهای مختلف مردم ایران در حال مبارزه ای مستمر در عرصه های مختلف با حاکمین هستند. حکومتی بر سر کار است که مدام با اثرات و تبعات ۸۸ دارد دست و پنجه نرم میکند. زیر فشار خشم مردم است و "خطر" انقلابی دیگر را آشکارا پیش چشم خویش می بیند. همین وحشت و فشارهاست که باعث شد که این حکومت ناچار شود مرتضوی منفور و سوگلی خامنه ای را ۵

معرفی کرده اند. آنچه با توضیحات احمدی مقدم و پاسخ مرتضوی در واقع يك بار ديگر مورد تأكيد قرار میگيرد این است که شبخ کهریزک گریبان جمهوری اسلامی را بهیچوجه رها نکرده است و هیچگاه رها نخواهد کرد. این فشار انزجار مردم است که جانیان حاکم را به جان هم انداخته است. البته کل سخنان این سرکرده اراذل جمهوری اسلامی اعترافات ارزشمندی را در بر دارد که باید جداگانه به جوانب آن پرداخت. او به شکنجه وحشیانه ستار بهشتی و قتل او، رد شدن خودروی نیروی انتظامی حکومت از روی بدن یکی از تظاهرکنندگان و له کردن سر او، و گوشه های دیگری از جنایات غیرقابل توصیف حکومتیان اعترافات مهمی مینماید.

پرونده کهریزک پرونده ای شناخته شده است که شواهد متعددی دارد. ما همان سال ۸۸ نوشتیم که "پرونده کهریزک

احمدی مقدم فرمانده منفور و شناخته شده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، دو روز پیش مسئولیت جنایات کهریزک را به گردن سعید مرتضوی چهره منفورتر جمهوری اسلامی انداخت و تلاش کرد خود را بیگناه جلوه دهد. او گفت که این سعید مرتضوی بود که اصرار داشت که دستگیر شدگان تظاهراتهای سال ۸۸ به کهریزک که "مکان خطرناکی است" و جای "اراذل و اوباش بود" گسیل شوند و من مخالفت کردم. سعید مرتضوی نیز در پاسخ او گفته است که مقصر اصلی نیروی انتظامی است و "من گزارش نیروی انتظامی در مورد کهریزک را آن زمان خواندم اما در صحنه نبودم که ببینم آنها عملا چه میکنند". خانواده های برخی بازماندگان کهریزک و برخی بازماندگان آن جنایت هولناک انزجار خود را نسبت به سخنان هردوی اینها ابراز کرده اند و هردو را بعنوان دست اندرکاران جنایت کهریزک

اگر رفاه را حق تک تک شهروندان جامعه میدانید

اگر آزادی را بدون محدودیت و قید و شرط میخواهید

اگر توهین به زنان بر نمی تائید و زنان را هم ارز و برابر مردمان میخواهید

اگر تحصیل و در مان رایگان را حق همه کودکان و مردم میدانید

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

کارگران برای افزایش دستمزد خیز بر میدارند

زندان و بر ده خواست خود از جمله افزایش دستمزد شدند. لغو طرح مستقل کردن واحدهای تولیدی زیر مجموعه این کارخانه و حفظ و یکپارچگی کارخانه به عنوان يك صنعت مادر نیز يك خواست مهم کارگران پلی اکریل برای مقابله با خطر بیکارسازی است.

افزایش دستمزد يك خواست حیاتی و مبرم در شرایط گرانی و فقر و فلاکت موجود است. اعتصابات کارگران پتروشیمی های مارون و اروند، فراورش و خوارزمی و بسباران و اعتصاب کارگران پلی اکریل اصفهان برای افزایش دستمزد، گوشه ای از يك مبارزه مهم طبقاتی بر سر دستمزد است که این پتانسیل را دارد که توده های وسیعی از کارگران مراکز مختلف در سراسر کشور را به میدان آورد و در مقابل تعرض حکومت و سرمایه داران به معیشت فقیرانه کارگران صف آرایی کند. این مبارزات در عین حال در مقطعی صورت میگیرد که "شورای عالی کار" حکومت، کمیته های مزد را شروع به راه اندازی کرده تا تلاش کنند به کمک شوراهای اسلامی و ترفندهای مختلف مبارزه کارگران برای افزایش دستمزد را به کنترل درآورند. اعتصابات اخیر در صورت گسترش به سایر مراکز کارگری میتواند تلاش این ارگانهای سیاه حکومتی را خنثی کند و دستمزد بالاتری را به دولت و کارفرمایان تحمیل کند.

دستمزد کارگران باید چندین برابر شود تا خانواده های کارگری بتوانند نیازهای اولیه زندگی خود را تامین کنند. با تمام قوا باید از این مبارزات حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ آبان ماه ۱۳۹۲، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۳

تحمیل کنند. بدنبال این اعتراض موجی از اعتصاب در دیگر پتروشیمی های بندر امام برای افزایش دستمزد براه افتاد. کارگران پتروشیمی های اروند و مارون بلافاصله با خواست های مشابه وارد اعتصاب شدند. همزمان ۱۵۰۰ کارگر پتروشیمی بسباران نیز شروع به جمع آوری طومار کردند و نهایتاً روز یکشنبه ۲۶ آبان با خواست افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند و اعلام کردند که دستمزدهای کنونی تامین کننده هزینه های سرسام آور زندگی نیست و تا رسیدن به خواست خود به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. اتحادیه آزاد کارگران ایران که این خبر را منتشر کرده است، میگوید که مسئولین شرکت سعی کردند در میان کارگران تفرقه ایجاد کنند اما این تلاشها با هوشیاری کارگران شکست خورد.

۱۵۰۰ کارگر پلی اکریل اصفهان نیز اعتصاب قدرتمندی را از روز ۲۶ آبان ماه شروع کرده و امروز سومین روز اعتصاب را پشت سر گذاشتند. یکی از مهمترین خواست های کارگران ۲۰ درصد افزایش فوری دستمزد است. مسئولان فرمانداری همان وعده های قبلی خود را در نشست با نمایندگان کارگران تکرار کردند و نمایندگان کارگران تصمیم گیری در این مورد را به طرح آن در میان همه کارگران و تصمیم گیری جمعی خود موکول کردند. مجمع عمومی کارگران در روز ۲۷ آبان ماه رای به ادامه اعتصاب داد. ۷۰۰ کارگر شب را در کارخانه ماندند تا به رفقای خود در شیفت بعد ملحق شوند. صبح ۲۸ آبان کارگران دست به راهپیمایی در محوطه کارخانه



Iranian Labour News Agency



Iranian Labour News Agency

در روزهای اواخر مهرماه امسال کارگران شرکتهای فراورش و خوارزمی در پتروشیمی بندر امام موفق شدند با اعتصاب سه روزه خود ۳۲ درصد افزایش دستمزد، ۴ درصد حق کار سخت و زیان آور و پرداخت حق نوبتکار هماهنگ را به کارفرما

کارگران پلی اکریل اصفهان فوراً باید آزاد شوند

بعید نیست عده ای از کارگران هدفشان اخلاص و بهم ریختن فضای کارخانه باشد. گزارش ایلنا نیز اعتراف آشکاری به این مساله است که کل این مجموعه از سلیمانی فرماندار تا اسلامی رئیس اداره کار مبارکه و اوپاش انتظامی در فرمانداری مبارکه دسته جمعی تصمیم به دستگیری کارگران گرفته اند تا اعتراضات آنها را بخوابانند.

کارگران دستگیر شده پلی اکریل باید فوراً و بدون هیچ قید و شرطی آزاد شوند. حزب کمونیست کارگری دستگیری کارگران را شدیداً محکوم میکند و کارگران را فرامیخواند که تجمعات اعتراضی خود را در کارخانه و در مقابل فرمانداری و سایر ارگانهای دولتی برای آزادی همکارانشان و تحقق سایر خواستههای خود گسترش دهند. حزب از مردم مبارکه، سایر مراکز کارگری از جمله کارگران ذوب آهن اصفهان و کارگران بازنشسته صنایع فولاد میخواهد که از کارگران پلی اکریل و خواست های بحق آنها قاطعانه دفاع کنند و به هر شکل میتوانند از جمله با صدور قطعنامه، در مبارزه برای آزادی رفقای خود در پلی اکریل شرکت کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ آذر ۱۳۹۲، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۳

چهار کارگر پلی اکریل اصفهان حوالی ساعت چهار بامداد روز پنجشنبه ۳۰ آبان توسط نیروهای سرکوب رژیم دستگیر شده و به شهر دستگرد در ۱۳ کیلومتری اصفهان منتقل شده اند. کارگران دستگیر شده عبارتند از: جواد لطفی، عباس حقیقی، کیومرث رحیمی و احمد صابری. علت این دستگیری اعتصاب و تجمعات اعتراضی مکرر کارگران در روزها و هفته های گذشته برای افزایش دستمزد، بازگرداندن کارگران اخراجی، استعفای تعدادی از اعضای هیئت مدیره کارخانه و حفظ اسناد و بررسی عملکرد آنها و سایر مطالبات بحق کارگران بوده است. کارگران نگرانند که اسناد کارخانه توسط دار و دسته های مختلف مفتخور دزدیده شود و مانع رو شدن توطئه های ضدکارگری از جمله بیکارسازی وسیع، سوء استفاده ها و دزدی ها و سایر تصمیمات ضدکارگری کارفرماها شود.

ایلنا میگوید که کارگران تهدید شده بودند و مهدی سلیمانی فرماندار مبارکه نیز میگوید بارها خواسته بودم که کارگران دست از تجمعات خود بردارند. سلیمانی حتی انکار نمیکند که در جریان مذاکره، کارگران به عواقب اعتراض تهدید نشده اند. اکنون نیز با بیشرمی میگوید که

تلفن تماس با حزب در
خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب
از ایران

شهلا دانشفر
دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:
I.K.K , Box: 2110 ,
127 02 Skärholmen -
Sweden

حزب سازمانده و حزب رهبر

یا حتی شرایط بدتری پیش بیاید. اگر این حزبیت، از همین امروز بر هر قدم فعالیت و مبارزه مان ناظر نباشد و اهمیتش دیده نشود، به نظر من این خلاء پر نمیشود!

از طرف دیگر واقعیتی که تجربه انقلابات نشان میدهد، اینست که سرنگون کردن دیکتاتورها، کاملاً ممکن است. جامعه، مردم و مبارزات مردم آن قدرت را دارد که دیکتاتورهای نظیر مبارک و قذافی که به نظر میامد حالا حالاها سر کار خواهند بود را در مدت کوتاهی سرنگون کند. این امروز ممکن هست، که جامعه با استفاده از ابزارهای تکنیکی امروز مثل مدیای اجتماعی و غیره، برای ارتباط گیری و برای سازماندهی بلند بشود، به خودش شکل بدهد و متشکل بشود و جمهوری اسلامی را سرنگون کند! اما برای پیشروی و پیروزی انقلاب باید از همین امروز در این روند و در هر قدم حزب و حزبیت را مد نظر داشته باشیم و پرچم افق و برنامه ای که حزب در برابر جامعه میگذارد را همه جا در فعالیتهای روزانه دخیل کنیم. بخصوص نهادها و اکتیویست ها و سازماندهندگان و پیشروان مبارز در جنبش کارگری، در جنبش علیه اعدام که امروز وسعت گرفته، در مبارزه علیه مذهب و برای جدائی مذهب از دولت، در مبارزه برای آزادی زن و برابری و رفع تبعیض فاحشی که علیه زنان روا میشود، در تمامی این عرصه ها نقش حزب و حزبیت، برنامه ها و سیاستهای حزب، مطلقاً تعیین کننده است. همه فعالین و حزبی باید این را مد نظر داشته باشند و در این جهت حرکت کنند.

شهلا دانشفر: با توجه به صحبت هایی که داشتید، سوال

بعدی من این است که نقش حزب، کادرها، اعضا و دوستداران حزب، به عنوان موجودیت حزب در داخل ایران، در این اوضاع مشخص پر جنب و جوش سیاسی چه میتواند باشد؟ شما به جنبه هایی اشاره کردید، اما بطور مشخص چه تاکیاداتی دارید؟

حمید تقوائی: سیاست ما در این دوره اعلام شده و فکر کنم شما در برنامه سازمانده از جوانب مختلف توضیح داده اید. من اینجا فرصت را مغتنم می شمرم و بر دو نکته تاکید میکنم. نکته اول اینست که جامعه ایران در حال جنب و جوش وسیعی است و رژیم در یکی از ضعیف ترین موقعیتهایش بسر میبرد و این فضای را ایجاد کرده که در سطح وسیعی مردم میتوانند تعرض کنند، میتوانند مطالبات و خواستههای رادیکالشان را مطرح کنند و حکومت را از هر طرف تحت فشار قرار بدهند. جنبش کارگری یکی از پر جنب و جوش ترین و یکی از فعالترین دوره های خودش را میگذراند و بخصوص بعد از روی کار آمدن روحانی، شرایطی ایجاد شده که این جنبش بتواند تعرض و سیعتری بکند. از طرف دیگر مسائلی مانند مسئله بیکاری، مسئله گرانی، فقر و و فلاکت توده ها در ایران بیداد میکند. جنبش کارگری پرچم مبارزه مردم، پرچم اعتراض ۹۹٪ مردم علیه یک اقلیت ناچیز و مفت خوری که مثل انگل و زالو به جان مردم افتاده اند و این وضعیت فلاکت بار را بر جامعه تحمیل کرده اند، بدست گرفته است. در سطح دیگر، مبارزه علیه اعدام دارد به پیش میروید و وسعت گرفته و در سطوح مختلفی فعال شده است، حتی

خانواده های اعدامیان و افراد زیر اعدام از زندانها، اکتیویست ها و فعالین این عرصه هستند و جلو آمده اند. از طرف دیگر جنبش رهائی زن است که هیچوقت از پاننشسته، هیچوقت حاشیه ای نشده و همیشه در محور مسائل جامعه بوده و امروز هم هست و این فضا به جنبش برای آزادی زن هم امکان تعرض جدیدی میدهد! همچنین فضای اعتراضات در دانشگاه ها شکل گرفته و جوانان و دانشجویان فعال شده اند! به عرصه های دیگر هم میشود اشاره کرد که اینجا فرصت طرح نیست. بحث ما، رهنمود ما، خطاب به فعالین، به دوستداران حزب، به کادرهای حزب اینست که باید به یک پراتیک اجتماعی وسیعی در همه این عرصه ها دامن زد؛ از طرق مختلف، از جمله بکارگیری امکانات مدیای اجتماعی، با مرتبط کردن شبکه ای از فعالین، که میتواند در ایران سراسری باشد و غیره. اکتیویست ها و تشکلهای نهادها در عرصه های مختلف، بخصوص در جنبش کارگری، باید با خواستها و مطالبات تعرضی مشخصی قد راست کنند و به یک نبرد، یک کارزار و کمپین مبارزاتی اجتماعی - عملی وسیعی در همه عرصه ها شکل بدهند. این یک نکته مورد تاکید ما است.

نکته دوم اما برمیگردد به همان بحث حزبیتی که قبلاً اشاره کردم. حزب از پراتیک جدا نیست و در دل این پراتیک، در دل این مبارزات اجتماعی هست که حزب میتواند جلو بیاید. سخن من با اعضا و کادرها و فعالین حزبی اینست که حضور حزب را در دل این مبارزات تامین کنند. منظورم این نیست که لزوماً همه جا باید اعلام کرد بیائید به حزب بپیوندید و یا عضو حزب بشوید! عضوگیری یک نتیجه فعالیتهای من اینست که باید سیاستهای حزب، رهنمود های حزب، گفتمان حزب و نقد حزب به مسائل مختلف بر کار فعالین

حزبی ناظر باشد و به این معنی حضور حزب را تامین کنند. یعنی در هر محله ای، در هر کارخانه ای، در هر دانشگاهی، در هر محل اجتماع عمومی معلوم باشد که فعالین حزب حضور دارند، تراکت و اعلامیه پخش میکنند، دیوار نویسی میکنند و غیره. و باین ترتیب مردم ببینند که حزب در محله شان، در کارخانه شان، در دانشگاهشان، در محل تجمعشان حضور دارد. این میتواند از طریق مدیای اجتماعی، از طریق فیس بوک ها و سایتها و اس ام اس و غیره هم عملی بشود و به پیش برود. من دیگر وارد نکات مشخص تری نمیشوم. فکر میکنم شما به عنوان کمیته سازمانده و در این برنامه هائی که دارید، در مورد این جنبه ها مفصلاً صحبت میکنید. تنها این دو مولفه ای که اشاره کردم را دوباره خلاصه و تاکید میکنم:

اول سازماندهی و فعال شدن در جهت شکل دادن و پیشبرد یک پراتیک اجتماعی، پراتیک اعتراضی - مبارزاتی در عرصه های مختلف، حول خواستههای مشخص مردم برای ارتقا زندگی شان، علیه فقر و بیکاری و گرانی، بخصوص خواستههای جنبش کارگری در این زمینه، و همینطور فعالیت در عرصه علیه اعدام، برای حقوق زن، خواسته های جوانان و غیره.

مولفه دیگر، تامین حضور حزب، چه از طریق ناظر کردن سیاستها، شعارها و خواست های حزبی بر این مبارزه، و چه از طریق اعلام حضور حزب به طرق مختلف در محلات زندگی و مبارزه و تجمع مردم. این دو مولفه به نظر من در این شرایط خیلی تعیین کننده است و باید هر فعال حزبی، هر کادر حزبی، هر دو جنبه را در مبارزه و فعالیتهایش در نظر داشته باشد و به آن عمل کند.

شهلا دانشفر: اما به عنوان آخرین سوال، هر ساله دوستانی در ایران به مناسبت سالگرد حزب، در جمع های

خودشان برنامه هائی دارند، جشن میگیرند و پیامهایشان را برای ما میفرستند. نظراتشان را برای ما میفرستند، از خاطراتشان در رابطه با چگونگی آشنایی با این حزب و فعالیت هایی که داشته اند برای ما میگویند، صحبت شما و پیام شما به این دوستان چه هست؟

حمید تقوائی: اولاً بنوبه خودم سالگرد تشکیل حزب را به این دوستان تبریک میگویم! و همچنین به آنها خسته نباشید میگویم و آنها را فرامیخوانم که هر چه فعالتر در مراسم های سالگرد حزب دخیل بشوند، دور هم جمع بشوند، جشن بگیرند و بخصوص تماس بگیرند با تلویزیون، با حزب، با آدرسها و سایتهای مختلف حزبی و نظراتشان را بگویند، گزارش فعالیتهای خود را بدهند! سالگرد حزب میتواند فرصتی باشد، یک ظرف و محملی باشد برای فعالیت ویژه در معرفی بیشتر حزب و جذب نیرو به حزب! فراخوان دادن به پیوستن به حزب! گرچه منظور از فراخوان فقط عضوگیری نیست، منظور اینست که میشود حول شعارها، سیاستها و کمپینهایی که حزب در دستور میگذارد، نیرو جمع کرد. یک فعالیت این رفقا و دوستان میتواند این باشد که به مناسبت سالگرد حزب، همین سیاستها را بیشتر معرفی کنند، توضیح بدهند، اقناع کنند و فعالین و افراد را در بخشهای مختلف و در سطوح مختلف مبارزاتی، به حزب و سیاستهای حزبی جذب کنند. در هر حال یکبار دیگر من دست همه رفقا و فعالین را بگرمی میفشارم و سالگرد حزب را تبریک میگویم و امیدوارم در پیشبرد فعالیتهای مبارزاتشان بیش از پیش موفق باشند.

شهلا دانشفر: حمید تقوائی، متشکرم که در این برنامه شرکت کردید.

حمید تقوائی: منم متشکرم.*

از صفحه ۴

یک حزب منحصر بفرود

مشغول "کارهای دموکراتیک" است. مشغول کارهایی است که به طبقه کارگر ربطی ندارد! مساله زنان، علیه اعدام، آزادی زندانیان، سنگسار، و چیزهایی از این قبیل. این انتقادی است که به سوی ما پرتاب میکنند. میدانید چرا؟ بخاطر اینکه کارگر را یک طبقه اجتماعی نمی بینند. کارگر برایشان یک موجودیت داخل کارخانه است، که جامعه به او مربوط نیست. ستم بر زن به او مربوط نیست. حجاب به او مربوط نیست.

حتی موقعی که به خود جنبش کارگری نگاه کنید، که این جریانات "عرصه تخصصی" خودشان میدانند، آنجا هم ارزیابی شان این میشود که کارگران ایران سیاسی نیستند، صنفی هستند،

در حال عقب نشینی هستند، و امثال اینها. این تصویر را از جنبش کارگری گرفته اند. و باز این حزب است که باید بگوید که دوستان اول ماه مه را هم ببینید!

کیفخواستهای کارگران علیه کل سرمایه داری را هم ببینید. ممکن است گروههای کوچکی از کارگران اول مه را برگزار میکنند، به دلیل خفقان و سرکوب. ولی همانها نماینده و صدای میلیونها کارگری هستند که اعتراض دارند به کل نفس سرمایه و سرمایه داری و حکومت سرمایه داران. مجمع عمومی را هم ببینید. این حزب راه میگذارد جلوی رهبران کارگری که جلو بیایند خودشان را به عنوان رهبر جامعه ببینند. مجمع عمومی را جلو آنها میگذارد، "تعیین بخشی رهبران کارگری" را میگذارد، سوسیالیسم را میگذارد. این حزبی است که از ۳۰ سال پیش میگوید کارگر اینطور نیست که پراکنده است، تشکل ندارد، بلکه برعکس محافل کارگران "رادیکال سوسیالیست" را منصور حکمت بیست سی سال پیش به عنوان پایه تشکلهای کارگری مطرح کرد. آن

که فرهنگ و زبان این ها را بشناسد و می بیند که وسط این تظاهراتهای میلیونی این نامگذاری را به کار میبرند میفهمد که در واقع میخواهند بگویند این انقلاب نیست. ده میلیون نفر به میدان آمده اند، میگویند مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه ای مرگ بر دیکتاتور و میجنگند و کشته میدهند و دستگیری میدهند، و شش ماه هفت ما جنگ میلیونی بود، و تظاهراتهای صدها هزار نفره در شهرهای ایران جریان داشت، هنوز اینها میگفتند این انقلاب نیست! تازه کم کم شد "خیزش انقلابی"، "خیزش توده ای" و خیزش. اگر حزب کمونیست کارگری نبود واقعا چه چیز در مورد سال ۸۸ روی کاغذ ثبت شده بود؟ موسوی و کروبی یک طرف بودند، احمدی نژاد و خامنه ای هم یک طرف بودند. یک عده ای از مردم طرفدار این بودند و بخش دیگر هم طرفدار آن یکی، و شد ۸۸! این داستانی بود که در مورد انقلاب ۸۸ میگفتند. دقیقا همان تصویر و همان تفسیری که جمهوری اسلامی میداد. و این حزب بود که میلیونها ندا آقا سلطانها را که مساله شان کاملا یک چیز دیگری بود، میخواستند کل جمهوری اسلامی با تمام جناحهایش گوششان را کم کنند را این حزب نمایندگی کرد.

انقلابات منطقه به جریان می افتد. در مصر و تونس انقلاب میشود. چپ و راست گسیج میشوند. بالاخره یک مبارکی سرنگونی میشود بن علی ای سرنگونی میشود. نمیشود اسمش را انقلاب نگذاشت. اگر آنرا انقلاب بخوانی هم شبا هشت با انقلاب ۸۸ را معلوم نیست چه کار باید کرد! و دچار تناقض میشوند. و همین که در همان انقلاب و جنبش عظیم وقتی می بینند اخوان المسلمین دارد جلو می آید، "النهضة" دارد جلو می آید، فوراً میگویند "شکست خورد"، "تمام شد". یادتان هست؟ خیلی ها شروع کردند به اینکه بگویند "بهار عربی" به "زان عربی" تبدیل شد؟ این حزب در اوج موفقیتهای انتخاباتی و اخوان المسلمین و النهضه و

مرسی گفت که "پیشروی اسلامی ها در منطقه گذراست". در همان دوره ای که اوج برو بروی اسلام به اصطلاح "میان" و اسلام "مدن" بود، این حزب گفت این اسلام "میان" و اسلام نوع ترکیبی ای سنگر عقب نشینی است. و یک ماه نگذشته بود که جنبش عظیم و توده ای علیه حکومت اردوغان راه افتاد و نشان داد که ما حق داشتیم و آن جامعه دارد در زیر میجوشد.

من میخواهم بگویم که این حزب حزب اعماق است. حزبی است که پشت صحنه جامعه امروز را بروشنی می بیند. حزبی نیست فقط سطح را نگاه میکند و آن چیزی که ژورنالیستها جلو میگذارند را قورت میدهد، تحلیلشان را قبول میکند، خطشان را قبول میکند. این حزب عملاً حزب اعماق است. جامعه امروز را نگاه کنید بازی کنان اصلی و یا جلوی صحنه اش سرمایه داران هستند. رسانه های بورژوازی هستند، مفسرین و صاحب نظرانشان هستند. و آن میلیونها کارگر و زن تحت ستم و جوانان و امثالهم دیده نمیشوند. و این حزب است که اینها را در همه عرصه ها جلو می آورد، جامعه را میچرخاند. دستور جامعه را عوض میکند. سکینه محمدی آشتیانی شخصیتی میشود. کبرا رحمان پور شخصیت شناخته شده ای میشود. رهبران کارگری گمنام به رهبران شناخته شده تبدیل شدند. گفتم اگر ما نبودیم انقلابات منطقه هم میشد یک حرکتی که مبارک و بن علی را انداخت اما به دست ارتش و اسلامی ها افتاد و شکست خورد و تمام شد. ما گفتیم که دوره دیگری شروع شده است با این انقلابات. ما گفتیم که اسلام سیاسی به افول و سرازیری افتاده است. و این حزب بود که گفت نه اسلامی ها نه نیروهای ارتجاعی دیگر و نه امروز در مصر ارتش میتواند اوضاع را در دستش نگه دارد.

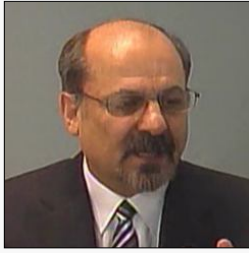
دوره ای که بازیکنان اصلی منطقه اسلامی ها بودند گذشت. تمام شد. این دوره دوره ای است که مردم عادی، پا برهنه ها، جوانان، فیس بوکی ها، اینها شدند

بازیکنان اصلی صحنه سیاسی مصر، تونس و کشورهای دیگر. می بینیم که مردم چه بلایی سر اخوان المسلمین آوردند. سر النهضه آوردند. من خودم همه اینها را پیش بینی کردم اما باورم نمیشد که به این زودی این اتفاقات در این کشورها بیفتد.

من میخواهم بگویم که این حزب حزب دوره تاریخی ای است که شروع شده است. دوره ای که از نظر تکنیکی، از نظر ارتباطات، از نظر علمی واقعا بشر دارد سر به آسمان می ساید. اما طبقه و نظامی حاکم است که دنیا را تقسیم کرده به ملیتها، اقوام، و هر جا دستش میرسد یک حکومت نوع طالبان و نوع جمهوری اسلامی و نوع مالکی و امثال این فسیله را سر کار می آورد. این فسیلهها را زمانی دارند سر کار می کنند که بشر با علمش دارد از "آسانسور فضایی" و سفر به کرات دور و خلق موجود زنده و امثال اینها سخن میگوید. و در همین دوره مردم را محصور کرده اند توی مرزها و بشر با این علم و تکنیک دارد این مرزها را میترکاند. از این سر آن سر دنیا با هم چت میکنند. مردم از قاره آفریقا و شمال آمریکا و این سر و آن سر دنیا با هم بحث میکنند، تبادل نظر میکنند، محفل درست میکنند، سازمان درست میکنند، ولی این نظام دارد هزار هزار مردمی را که میخواهند از این کشور به آن کشور بروند، به دریا میریزند و غرقشان میکنند. این طبقه بر دنیا حاکم است.

من میخواهم بگویم که حزب این تکنیک، حزب این دوره، حزب این پیشروی های عظیم و باور نکردنی که این علم و تکنیک دارد بشارتش را میدهد، حزب کمونیست کارگری است. و این دنیا و این بشریت برای اینکه این مرزها و این محدودیت و این خفقان را در هم بشکند احتیاج به صدها حزب مثل حزب کمونیست کارگری دارد. و با وجود این حزب و این نوع احزاب هست که میشود دنیایی ساخت که از فقر، از تبعیض، و از توحش در آن خبری نباشد. زنده باد حزب کمونیست کارگری!

دور جدید برنامه مستقیم کانال جدید به زبان ترکی



مجری: محسن ابراهیمی

ایمیل:

ebrahimi1917@gmail.com

فیس بوک:

<https://www.facebook.com/mohsene1>

زمان برنامه:

هر هفته روزهای شنبه

ساعت ۹ تا ۱۱ شب بوقت تهران

۱۲ و نیم تا ۲ و نیم بعد از ظهر بوقت شرق

آمریکا

۶ و نیم تا ۸ و نیم شب بوقت اروپای مرکزی

این برنامه همزمان در اینترنت قابل دسترسی است

www.newchannel.tv

تلویزیون کانال جدید در سایت GLWIZ زیر

اسم NEGAH E SHOMA نیز قابل مشاهده است

<http://www.glwiz.com/>

مشخصات پخش تلویزیون ۲۴ ساعته کانال

جدید

مشخصات ماهواره هات برد : فرکانس ۱۱۲۰۰-

اف ای سی ۶ / ۵ عمودی سیمبل ریت

۲۷۵۰۰ شبکه

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

بیش از پانصد نفر طومار اعتراض به حکم اعدام زانیار و لقمان مرادی را امضا کردند. شما هم امضا کنید!



کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۲ نوامبر ۲۰۱۳

ما با امضا این طومار اعلام میکنیم که خواهان لغو فوری احکام اعدام زانیار و لقمان مرادی هستیم. با گذشت زمان بیش از همیشه روشن شده است که این دو جوان قربانی پرونده سازی سپاه و وزارت اطلاعات رژیم اسلامی شده اند. کمک کنید جان زانیار و لقمان مرادی را نجات دهیم. امضا کنید!

لینک طومار اعتراضی:

http://www.petitions24.com/zaniar_loghman

اعتراض نتیجه داد!



امروز روزنامه های فرانکفورت در مورد تجمع و راهپیمایی تعدادی از نمایندگان احزاب سیاسی و نهادهای علیه اعدام در مورد سکوت رسانه های آلمانی گزارش نوشتند و این عکس را چاپ کردند. پس اعتراض نتیجه میدهد. فراخوان ما اینست که در کشورهای مختلف در مقابل رسانه ها تجمع کنید و به این سکوت

بیشرمانه در مورد اعدامها در ایران اعتراض کنید مطمئن باشید نتیجه میدهد. زنده باد مبارزه علیه اعدام. زنده باد جنبش اعدام علیه اعدام کمیته بین المللی علیه اعدام ۲۲ نوامبر ۲۰۱۳